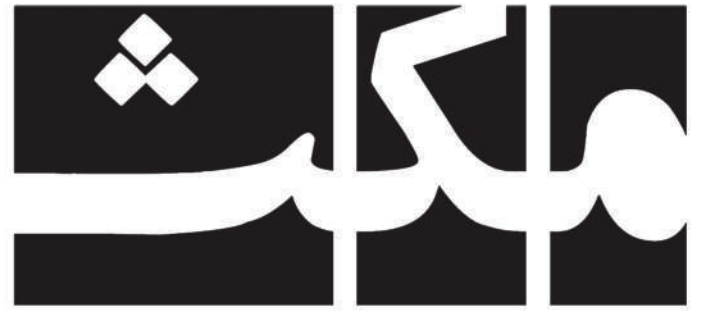


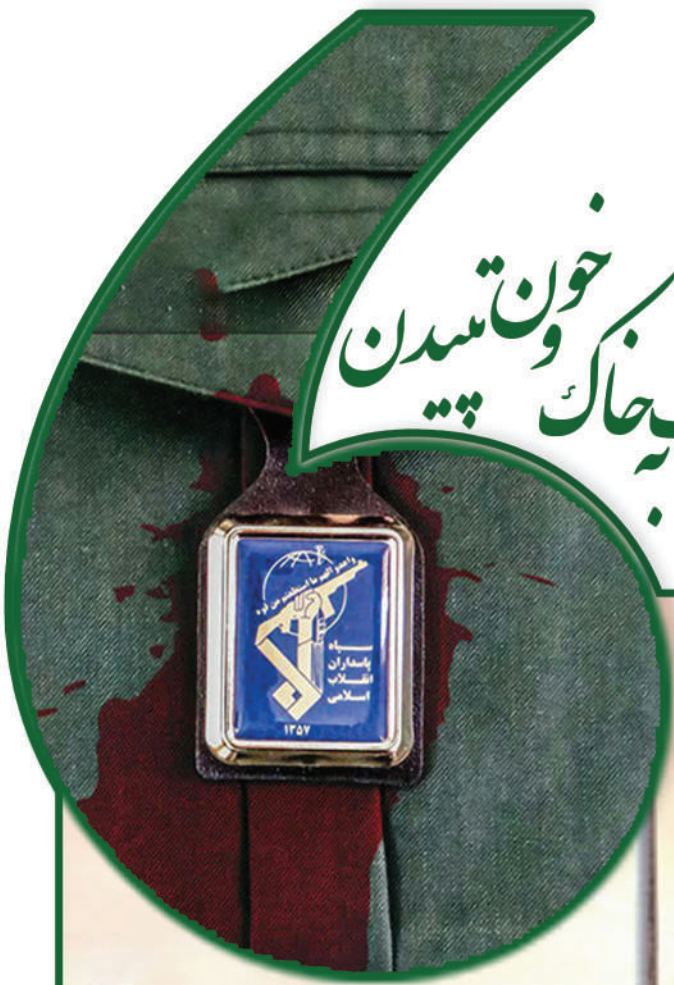
حرف هایمان را با مکتب مزینیم



ماهنامه سیاس، فرهنگ و اجتماع انجمن اسلام دانشجویان

شماره ۸۵ / فروردین ۱۴۰۳

عشق است چاک بک خون تسدین



سنگ باروت

صفحه‌ی ۱۰

چه خواهد شد؟

حجاب

صفحه‌ی ۱۳

سزوشت

از عشق تا چابهار

صفحه‌ی ۲

از دمشق تا چابهار

سرمقاله

صالحه راهداری

کارشناسی مهندسی برق، ۹۸

مدیرمسئول نشریه مکتب انجمن اسلامی دانشجویان



در روزهای پایانی ماه مبارک رمضان و شهادت مولای متقیان امیرالمومنین(ع)، و درحالیکه اسرائیل به نسل کشی خودش در غزه با قدرت ادامه میدهد و سازمان ملل در خواب خرگوشی به سر میبرد، دو خبر ایرانیان را بهت زده میکند:

۱. "حمله جنگنده های اسرائیل به ساختمان کنسولی و اقامتگاه سفیر جمهوری اسلامی ایران در سوریه و شهادت تعدادی از مستشاران عالی رتبه ایران"
۲. "حمله گروهک جیش الظلم به طور همزمان در راسک و چابهار"

طبق کنوانسیون های بین المللی و کنواسیون ژنو کنسولگری ها و سفارت هر کشوری مصون از هر حمله می باشند و این اماکن جزو خاک همان کشور حساب میشوند، پس شما میتوانید بخوانید "حمله جنگنده های اسرائیل به خاک ایران در سوریه و شهادت تعدادی از مستشاران عالی رتبه ایرانی"

این اولین باری نیست که اسرائیل مستشاران ایرانی را شهید میکند، و خوی وحشی گری خود را نشان می دهد اما این حمله متفاوت از حملات دیگر و تجاوز به خاک مقدس ایران است سوال اساسی که مطرح میشود از مسئولین عالی مقام این است در زمانیکه اسرائیل نفس های پایانی خود را میکشد و برای بقا دست و پا میزند و مهمتر آنکه سرداران ایرانی را یکی پس از دیگری تهدید و ترور می کند چرا حفاظت از مستشاران اینقدر ضعیف و حضور آنان در مکانهایی است که به راحتی توسط اسرائیل شناسایی و در معرض حمله قرار بگیرند؟ نکند خودتان مایل به شهادت و حذف این عزیزان بودید فقط نمیخواستید دستانتان آلوده شود؟! نکته جالب این است که درست همان روز حمله تروریستی به خاک ایران، سخنگوی رژیم موقت اسرائیل در پاسخ به سوال خبرنگاری که از او می پرسد: چرا آمریکا به اسرائیل که در حالی نابودی غزه است بمبهای ۲۰۰۰ پوندی می دهد؟ پاسخ میدهد: برای جنگ با ایران لازم داریم گوش هایتان سنگین شده یا تحلیگرانتان در تعطیلات نوروزی به سر می برند؟

در باب موضوع دوم؛

بر همگان واضح است اهمیت نقش چابهار بر کریدور شمال-جنوب و تبدیل ایران به یکی از کشورهای اصلی در حوزه تجارت بین الملل در منطقه، پس انجام عملیات های تروریستی از سوی اسرائیل با همکاری برخی از متحدین خود جهت ناامن سازی این خطه از ایران دور از ذهن نیست. بعد از حادثه هشتم مهرماه(جمعه خونین) و تلاشها برای تفرقه اکنی مابین شیعه و سنی، گروهک تروریستی جیش الظلم (که اکثر اعضای آن اتباع غیرایرانی است) بیش تر از پیش حملات خود را در سیستان و بلوچستان اینبار با محوریت حمله به نیروی انتظامی و پس از توییت مولوی عبدالحمید درباره نقش داشتن سپاه در جمعه خونین، حمله به سپاه انجام میداد درست در ساعاتی که گمانه زنی ها برای حمله ایران به اسرائیل جهت گرفتن انتقام تجاوز به کنسولگری و شهادت مستشاران ایرانی شنیده میشد، عروسک خیمه شب بازی اسرائیل ماموریت به انجام عملیات تروریستی در مناطقی از ایران شد که امنیت این مناطق در حوزه تجارت بین الملل دارای اهمیت بالایی است

اینطور که به نظر میرسد اسرائیل قصد ضربه زدن به تجارت ایران با ایجاد ناامنی در سیستان و بلوچستان و از پای درآوردن و خشمگین ساختن و کشاندن بازی به ایران با به شهادت رساندن مهره های اصلی و تاثیرگذار در منطقه را دارد

سوال اساسی و نقدی بزرگ که در این بحث پیش می آید، مقایسه آموزشات و تجهیزات مرزبانان، سپاهیان و دریانوردان این منطقه با تروریستهاست، این درحالی است که در این عملیات از طرف مقابل دوربین پیشرفته دید در شب، جلیقه ضدگلوله که زیر آن کمر بند انتحاری جاسازی شده بود



برای جنگ با غزه هست و مدعی نگران افزایش تنش در منطقه!! البته اینها همان کسانی هم هستند که به بهانه مخالفت با حکومت ایران و فشار روی حکومت، در ظاهر ایران را تحریم میکردند اما حداکثر فشار ممکن را روی مردم در حوزه های مختلف از جمله بیماری، اقتصاد، تحریم داروها و... می آوردند.

موضع گیری دوپهلو جناب عبدالحمید نیز با بیان دعوت طرفین به مذاکره جای سوال دارد.

گفتگو با چه کسانی؟ کسانی که در اطراف تنها بیمارستان چابهار (بیمارستان امام علی(ع)) که دائما در حال خدمات رسانی به مردم است تیراندازی میکنند، یا کسانی که به کودک ۳،۴ ساله نیز رحمی نکردند و یا کسانی را میگویند که برای پیروز کردن عملیات خود مردم را گروگان گرفتند؟

انتظار داریم به عنوان رهبر جمعیت قابل توجهی از مردم فریب دشمن را نخورده و در میدان آنان بازی نکنید و در راستای امنیت و اتحاد استان تلاش کنید

در پایان، ما به نابودی اسرائیل آدم کش شکی نداریم چرا که این وعده خدا است: که ظلم پایدار نمی ماند و دلگرمیم به وعده رهبرمان در پشیمان ساختن اسرائیل

اما برای یکبار هم که شده بد نیست که تغییراتی در بعضی راهبردهای پیش روی خود به کار ببرید

ماسک ضدشیمیایی، بیسیمهای حرفه‌ای دارای ارتباط مداوم شبکه‌ای، نارنجک‌انداز ۳۰ میلیمتری نصب شده روی اسلحه، مواد انفجاری، بسته جیره غذایی چند روزه و نردبان‌های بسیار سبک تاشو جهت ورود به اماکن ضبط و ثبت شده است

تا زمانیکه سیستان و بلوچستان به حال خود رها و صرفا بعد از حملات تروریستی این استان به یادآورده شود، شاهد شهادت دلیرمردانی هستیم که با امکانات کم و خون خود به مصاف دشمن میروند

عملیات تروریستی چابهار و راسک با شهادت ۱۱ نفر از نیروهای مدافع امنیت شیعه و بلوچ از ساعت ۲:۲۷ بامداد آغاز و تا پایان کامل و دستگیری تروریستها در ساعت ۱۵:۱۲ به پایان رسید

اینکه اسرائیل در خارج از مرزهای ایران حملات خود را علیه ایران یا نیروهای نیابتی آن انجام دهد و یا جیش الظلم در داخل ایران انجام دهد فرقی در اصل قضیه و ماجرا ندارد، و به نظر میرسد وقت آن رسیده ایران پاسخی درست و درخور به اسرائیل دهد تا درس عبرتی برای جیش الظلم و امثالهم نیز شود

باید متذکر شویم که هیچ ایرانی نه مایل به جنگ است و نه میخواهد جنگ وارد ایران شود، اما باحمله اسرائیل و نقض قوانین بین المللی ایران این اجازه را دارد که در جواب به حمله به خاک کشورش و آنچه در جنوب شرق ایران رخ داد، پاسخی کوبنده و مناسب دهد، همچنین نباید فراموش کرد در دنیای سیاست صبر استراتژیک مدتی دارد و اگر در برابر هر تجاوز و تعدی به بهانه های مختلف سکوت کرد اجازه دست درازی های بیشتر و بزرگتر برای طرف مقابل را صادر کرده ایم

این وسط از خاطمان نمی رود رفتار آمریکا، انگلیس و فرانسه که حمله به ساختمان دیپلماتیک جمهوری اسلامی در دمشق را محکوم نکردند و صرفا نگران افزایش تنش در منطقه بودند البته از این کشورها انتظاری جز این نمیرفت. وقتی آمریکا با تمام قدرت در حال فروش تسلیحات به اسرائیل

حسین کازرونی
@hosein_kazeruni . 1day

اسرائیل با حمله به #سفارت_ایران در دمشق می خواهد ضعف خود در نرسیدن به هیچ پیروزی در غزه را جبران کند. تجاوز مستقیم به ایران تبعات سنگینی برای رژیم موقت صهیونیستی دارد. نتانیاهو با این تجاوز، جنگ را وارد مرحله جدیدی کرد. روزهای سختی بر آنها خواهد گذشت

30 60 300

Seyed Mohammad Marandi
@s_m_marandi. 1day

Iran has taken the decision to severely punish the Zionist regime

90 70 200

Seyysd Abbas Salehi
@S_A_Salehi · 7day

اتفاقات اخیر سوریه و حوادث تروریستی امروز در راسک و چابهار را در یک منظومه عملیاتی می توان دید! اینکه رژیم صهیونیستی برای خروج از بن بست نظامی و سیاسی میدان های جدیدی را برای ایران گشوده است. بایستی مواظب فتنه های قومی-اسرائیلی بود و درمواجهه با آن در خطای راهبردی قرار نگرفت

60 100 500

ناشناس
@UnKnown. 1day

یک جوری اسرائیل رفتار مبکنه، انگار ما زدیم اون داره انتقام میگیره

Tweet

Hossein Akbari - حسین اکبری
@Ambasador_HA

با نهایت وحشی گری بر خلاف تمامی کنوانسیون های بین المللی محل اقامت اینجانب و بخش کنسولی سفارت را به همراه #وابستگان_نظامی رسمی جمهوری اسلامی ایران هدف قرار دادند؛ ما در وقتی که میخواهیم مقابله به مثل خواهیم کرد

Translate post
8:47PM · From Earth · 5.7k Views

Ali Gholhaki
@aghplt · 22h

اسرائیلی ها برای اولین بار مسئولان رده بالای نظامی ایران را در کنسولگری مان در سوریه(محل دیپلماتیک) هدف قرار دادند! این اتفاق حق مشروع بین المللی را برای پاسخ ایران فراهم میکند؛ حال چه میکنیم؟
"صبر استراتژیک" یا "استفاده حداکثری از حق مشروع"!

60 100 500

ناشناس
@UnKnown. 1day

لات کوچه های خلوتیم

78 2 100

ناشناس
@UnKnown. 1day

تنها سرداری که برامون موند، سردار آزمونه!

میشیگان

یا تگزاس مسئله اینست!

سید محمد صالح قائمی راد
دبیر سیاسی سابق انجمن اسلامی



گرچه که با توجه به سیاست‌های کلان و قدرت اقتصادی بزرگ و همچنین نفوذ گسترده و لابی‌های متعدد آمریکایی‌ها در جهان، از جمله توافق محیط زیستی پاریس و همچنین نوع خروج نیروهای آمریکایی از افغانستان و عراق بتوان تا حدودی به حق دانست که پیش‌بینی نتایج و پیگیری اخبار آن از اهمیت به مراتب بیشتری از سایر انتخابات‌ها در جهان داشته باشد، اما این توجه به شدت زیاد و تفاوت آشکار میان نتایج انتخابات در ایران در قبال نتایج انتخابات ریاست جمهوری آمریکا را می‌توان ناشی از این دانست که با افزایش سطح سواد توده‌های مردم و همچنین رو به رو شدن با واقعیت‌های جامعه، مردم هم به این جمع‌بندی رسیده باشند که سیاست‌های کلان کشور با نتایج انتخابات تغییر نمی‌کند و تنها نوع برخورد با سیاست‌های ایران که از دل انتخابات آمریکا بیرون می‌آید، می‌تواند حائز اهمیت باشد.

در سال ۲۰۲۴ میلادی، با مشخص شدن نتایج انتخابات درون حزبی ایالات متحده آمریکا، انتخابات بعدی ریاست جمهوری این کشور میان جو بایدن و دونالد ترامپ قرار است در ۱۵ آبان ماه سال ۱۴۰۳ برگزار شود؛ رقابتی که بیش از پیش یاد آور انتخابات قبلی این کشور و جو حاکم بر جامعه ایران خواهد بود.

از همان زمانی که مردم لحظه به لحظه نتایج انتخابات در ایالت‌های مختلف را بررسی می‌کردند و حتی اسامی ایالت‌های به اصطلاح چرخشی را هم از حفظ بودند؛ می‌توانستیم پی ببریم که نتیجه بیرون آمده از صندوق‌های رأی فلوریدا، پنسیلوانیا و آریزونا، به مراتب از اهمیت و تاثیر بیشتری برای زندگی اقشار گوناگون مردم برخوردار بود.

شاید بتوان پی برد که علت اصلی این اهمیت بیشتر از اینکه در نوع سیاست‌های مقابله جمهوری خواهان و دموکرات‌ها با کشورمان باشد، در عدم تاثیرگذاری انتخابات در کشورمان ایران است.

از جمعیت دو میلیونی نوار غزه، بالغ بر ۳۳۰۰۰ نفر در چند ماه شهید شده‌اند. در حمله غیر قانونی به بیمارستان شفا ۴۰۰ نفر جان خود را از دست دادند. زنان و کودکان هر روز و حتی در همین لحظه که شما خواننده این مقاله هستید، به خاک می‌افتند، بی‌گناه! آیا خداوند همه این‌ها را می‌بیند و ساکت می‌ایستد؟

خدا در حمله مغول‌ها، در جنگ‌های صلیبی، در جزیره مجنون و حالا در تمام سال‌های جنگ غزه کجا ایستاده بود؟ چه طور می‌شود ارحم الراحمینی باشد و کودکان غزه را ببیند و بتواند نجات دهد، اما دستی به یاری دراز نکند؟

ما نه اولین و نه احتمالاً آخرین دیندارانی خواهیم بود که این سوال‌ها را از خود یا بهتر بگوییم از خدای خود می‌پرسند و در سکوت او به انتظار جواب می‌نشینند! اما برای یافتن پاسخ باید کمی در پرسش خود دقیق‌تر شویم. آیا خداوند واقعا می‌تواند در جنگ‌ها مداخله کند؟ کدام خدا والاتر است؟ خدایی که صدا زدنش مانند چوب جادوی افسانه‌ها، رنج‌ها را می‌زداید یا خدایی که حتی جنگ را به قیمت اراده داشتن انسان می‌پذیرد؟

آیا خداوند بر هر کاری توانا است؟ حتی می‌تواند شتری را از دل سوزنی عبور دهد؟ دامنه قدرت خدا تا کجاست؟ به باور قائلان به ادیان ابراهیمی، خداوند نمی‌تواند اموری که محال منطقی‌اند را تحقق بخشد. او نمی‌تواند دایره‌ای بیافریند که مربع باشد.

همچنین نمی‌تواند چیزی را بیافریند که هم باشد و هم نباشد. تحقق امور متناقضی چون دایره مربع یا شتری که از سوزنی رد شود، درست مثل خلق هیچ است. پس خدا قادر مطلق است بر آنچه امکان تحقق منطقی دارد و آنچه به لحاظ منطقی متناقض است؛ اساساً چیزی نیست که بتوان آن را آفرید یا نتوان.

اما دنیای بدون جنگ چه؟ آیا نمی‌توان جهانی تصور کرد با خدایی مهربان‌تر که بندگانی آفریده است که هیچ‌گاه با یکدیگر نمی‌جنگند؟

آیا نمی‌شد خدا تراشه‌ای در مغز بندگانش

که صلح را برنگزیده‌اند. قدرت خدا نه فقط با محالات منطقی، که با شرط آزاد بودن انسان نیز حد می‌خورد. جهان، جهان انسان‌های آزاد است و آزادی حتی بالاتر از جنگ است! جنگ نحوی از شر اخلاقی است و ما انسان‌ها تا زمانی که اراده معطوف به اخلاقی نداشته باشیم، محصول مشترک ما با خدا چیزی جز جنگ و کشتار نیست.



فاطمه عباس‌نژاد

کارشناسی ارشد فلسفه دین، دانشگاه تهران

کار می‌گذاشت تا به محض آنکه میل به جنگ پیدا می‌کردند، پشیمان می‌شدند؟ یا وقتی مایل به قتل دیگری می‌شدند، باز است و آن جنگجوی اسرائیلی جنگ را برگزیده به او گل هدیه می‌دادند؟ چرا خدای عالم مطلق، قادر مطلق و خیرخواه محض ما چنین خدایی نیست و چرا چنین جهانی خلق نکرده است؟ پاسخ سوال در جایی درون ما نهفته است. پاسخ در نحوه وجود انسان و آزادشان چه می‌کنند! اما آیا همه خون‌های ریخته شده در تاریخ ارزش این ساختار عملکرد اوست.

پاسخ در اراده داشتن است! خلق جهانی با انسان‌هایی با اراده که حتی می‌توانند شر را برگزینند، برتر است یا جهانی که با دخالت خداوند، انسان‌ها در آن فقط خیر را انتخاب می‌کنند؟ شما نمی‌دانید!





مهداد فدایی

کارشناسی اقتصاد، ۱۴۰۰



سجاد غلامی

کارشناسی اقتصاد، ۱۴۰۰



هم اصل بر استقلال بانک مرکزی است و الان زیاد درباره آن صحبت می‌شود؛ اما به آن عمل نمی‌شود. لذا نمی‌توانیم بگوییم کدام یک از مواردی که بیان کردیم، بیشتر و حتی ممکن است یکی از این‌ها واقعا نباشد. مثلا مطالعاتی داشتیم که حتی فساد باعث رشد هم می‌شود. اما الان عوامل هایلایت شده این‌ها است (البته من جایی ندیدم درباره آن‌ها مطالعه صورت گرفته باشد). پس همانطور که پیش‌تر گفته شد عوامل اصلی دلار و حجم نقدینگی است و انتظارات تورمی به آن‌ها دامن می‌زند.

- بحث دیگری که خود شما در یکی از کلاس‌ها بیان کردید لگ مدیریتی در تصمیمات ضربه زننده مدیران به اقتصاد بود. اینکه نرخ تورم حال که انقدر زیاد شده است، بخاطر تصمیمات مدیران الان است یا مدیران گذشته؟ یا یک سلسله مراتب بوده که به اینجا رسیده؟ یا در دو دوره قبل که نرخ تورم افت کرد بخاطر کارهای خود دولت بود یا کارهای دولت قبلی؟

+ خب تورم و تقریباً همه متغیرهای اقتصادی همینطور هستند که یک مرتبه حرکت ناگهانی ندارند و مانند بازارهای مالی نیستند که یک سهم به صورت شارپی بالا برود. متغیرهای اقتصادی بسیار آرام حرکت می‌کنند. یک تورم ایجاد شده را که دولت بخواهد کنترل کند، وقتی الان شروع کند ممکن است تا آخر دوره‌اش به آن برسد یا ممکن است به دوره بعد منتقل شود. ولی مهم است ساختار جا بیفتد و آرام آرام کنترل شود و الان مثلاً آمریکا در هفت ماه از نرخ ۹ درصد به ۵ رسیده و دو سال تا سه سال هم طول می‌کشد که به ۲ برسد و همه این‌ها در سیستمی است که ریل‌گذاری شده است. اما شما حساب کنید ما به این راحتی نمی‌توانیم تورم ۵۰ درصدی را مهار کنیم مگر اینکه زیرساخت‌ها جا بیفتد، واگن‌ها را سوار کنیم و آن زمان، سیاست‌های اقتصادی را می‌توان اعمال کرد.

- اینکه الان که نرخ تورم ۴۰ و ۵۰ درصدی را در ایران شاهد هستیم، نرخ تورم هدف در ایران بر روی چند درصد است؟

+ نگاه کنید اینکه نرخ هدف چقدر باشد را نمی‌توان به سادگی بیان کرد چون نیاز به مطالعه با توجه به ساختار اقتصادی ایران دارد؛ ولی از روی تجربه کشورهای دنیا می‌توان گفت که کشور بدون تورم هم خوب نیست. زیرا وقتی تورم نیست انگیزه تولید هم از بین می‌رود و انگیزه رشد نیست. تورم باید باشد اما تورم خزنده یک و نیم تا دو درصدی، این نرخ می‌تواند برای اقتصاد مفید باشد اما بیشتر از آن ناطمینانی ایجاد می‌کند.

- مثل تورم موجود در کشور ژاپن؟

+ بله مانند تورم ژاپن. بیشتر از این نرخ، ناطمینانی ایجاد می‌کند و این ناطمینانی بسیاری از مولفه‌های اقتصادی را خراب می‌کند؛ مثلاً شما یک شرکت تولیدی دارید و هر روز می‌بینید قیمت اجناس بالا می‌رود. در این شرایط شما به اقتصاد و برنامه‌ریزی ناطمینان می‌شوید و احتمال شکست را در هر برنامه‌ای می‌بینید، در این شرایط ترجیح می‌دهید با پول‌هایتان دلار و سکه یا خانه بخرید و تولید را کنار می‌گذارید. به همین خاطر تورم بالا ناطمینانی می‌آورد و به تولید ضربه می‌زند ولی یک تورم خزنده برای اقتصاد مفید است.

مصاحبه ذیل در ۳ قسمت نگارش شده که قسمت اول، در شماره‌ی پیشین نشریه منتشر شده است.

بخش دوم:

گفتگو درباره تورم ایران و علل آن با دکتر مهدی بهنام، دانشیار گروه اقتصاد دانشگاه فردوسی مشهد و دکترای اقتصاد از دانشگاه سوربون فرانسه (بخش دوم نقش ساختار اداری و بانک مرکزی)

- حال نقش مدیران و فساد در ساختار اداری چه اثراتی دارد؟
+ ناگفته نماند که در کنار همه عواملی که ذکر شد در کشورمان فساد داریم که خود این بسیار عامل مهمی است. به طور مثال وقتی یک نفر در رأس فساد می‌کند؛ ما تنها فساد را می‌بینیم و حاصل آن این است که فردی که در پایین‌تر در حال فساد است، تنها تمرکزش این است که لو نرود و این فرد چه کاری می‌تواند برای کشور کند؟

در کنار فساد، عامل دیگری که میتوان از آن نام برد، ناکارآمدی مدیران است. ممکن است این فرد فساد نداشته باشد اما کارآمدی ندارد. مثلاً می‌بینیم که فردی که باید مدیر یک شرکت شود آبدارچی می‌شود و برعکس. این موارد باعث می‌شود افراد در سر جای خودشان نباشند و مشکلات پیش می‌آید.

- نقش استقلال بانک مرکزی - که از آن بسیار یاد میشود - در خصوص تورم چیست؟

+ استقلال بانک مرکزی از دولت عامل مهمی است؛ البته الان نمی‌شود از آن صحبت کرد (زیرا در حال حاضر اینطور است که ریل راه آهن نیست و می‌گوییم واگن را برای جابجایی از دو شهر قرار دهیم و این اصلاً جایگاهی ندارد)؛ اگر ساختار اقتصاد درست شد آن موقع اصل مطلب به بانک مرکزی می‌رسد. زیرا می‌دانید دولت‌ها چون که در حال جمع‌آوری رأی هستند به بسیاری از فاکتورهای اقتصادی توجه نمی‌کنند و در اینجا بانک مرکزی باید در جلوی دولت بایستد. مثلاً وقتی دولت برای کسری بودجه قصد انتشار اسکناس را دارد؛ بانک مرکزی با آن موافقت نمی‌کند ولی الان به محضی که دولت بگوید، بانک مرکزی اسکناس چاپ می‌کند.

در حال حاضر در آمریکا که یک سیستم اقتصادی درست دارد؛ بانک مرکزی مستقل از دولت است. درست است که رئیس بانک مرکزی را رئیس جمهور انتخاب می‌کند؛ اما نمی‌تواند آن را عزل کند و هرطور که صلاح ببیند، تصمیم می‌گیرد. در بانک مرکزی آمریکا، ۱۲ نفر اقتصاددان هستند که حق وتو دارند و تصمیم گیرنده هستند. مثلاً برای تعیین کردن نرخ بهره هر کدام رای می‌دهند. پس در اینجا اقتصاددان حق وتو دارد؛ در صورتی در کشور ما، اقتصاددانان در سیاست‌گذاری جایگاهی ندارد و تنها در دانشگاه‌ها درس می‌دهند و حتی اگر مشاور شوند، آیا کسی به حرف آن‌ها گوش می‌دهد؟ و اصلاً اهمیتی دارد حرف آن‌ها؟ اقتصاددانان ایرانی باید مثل کشورهای پیشرفته حق وتو داشته باشند تا وقتی رأی دادند، اعمال شود و اینگونه سیستم سالم است؛ زیرا دولت می‌گوید که می‌خواهم رشد ایجاد کنم اما با وجود قوانین و مشکلات و اینکه به دنبال جایگاه خود و رأی برای دوره بعدی هستند، عملاً نمی‌شود و اینجا باید یک واحد مستقل باشد که جلوی آن را بگیرد.

- نمی‌توان اینطور گفت مشکل اصلی این است که ما در قانون اساسی دچار مشکل هستیم؟ یعنی در قانون اساسی حق مالکیت خصوصی و استقلال بانک مرکزی دیده نشده است؟

+ خیر، تمامی این‌ها در قانون اساسی دیده شده است و در اساسنامه



ایشان در کتاب "از کجا آمده‌ام آمدنم بهر چه بود"، به طور کامل زندگی‌نامه خود را نوشته است.

نقش آفرینی کاتوزیان در تدوین قانون اساسی

کاتوزیان متفکری ملی بود که نقشی اساسی در تبیین مفاهیم بنیادین سیاسی و اجتماعی ایفا کرد. وی از جمله نویسندگان و تهیه‌کنندگان اصلی پیش‌نویس اولیه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران پس از انقلاب اسلامی بود. او در خاطراتش در خصوص تدوین قانون اساسی، این‌طور می‌نویسد: روزی که ما رفتیم این پیش‌نویس را تقدیم رهبر انقلاب کنیم، من سراسر غرور بودم که انقلابمان به ثمر نشست است و مفتخر از این که من هم سهمی در این راه داشته‌ام و با خود فکر می‌کردم که خداوند مقدر فرموده‌است که پیش‌نویس قانون اساسی به قلم من ناچیز نوشته شود. برای تدوین این پیش‌نویس ما از چندین قانون اساسی از جمله قانون اساسی مشروطه استفاده کردیم، همچنین تلاش کردیم این قانون را با شرع و اصول دین تطبیق دهیم تا تضادی در این زمینه وجود نداشته‌باشد.

اما زمانی که این پیش‌نویس در شورای انقلاب مطرح شد، متوجه شدم که متن ما کنار گذاشته خواهد شد و از همان روز ناامید شدم. بنابراین در پیش‌نویس اولیه قانون اساسی، آنچه به دنبال آن بودیم، حاصل نشد.

به گفته نعمت احمدی، حقوقدان و وکیل دادگستری، قانون اساسی که استاد کاتوزیان با کمک برخی دیگر از حقوق‌دانان کشور به تالیف آن اقدام کرد؛ یکی از کامل‌ترین و بهترین نمونه‌های قانون اساسی است که با وجود دارا بودن تایید و امضای امام خمینی (ره) در جریان برخی اختلاف‌نظرهای سیاسی کنار گذاشته‌شد.

ناصر کاتوزیان، در انتخابات مجلس خبرگان قانون اساسی در سال ۱۳۵۸ خورشیدی نیز شرکت کرد و نام او در فهرست نامزدان مورد حمایت جبهه ملی ایران و نهضت آزادی قرار داشت.

گوشه ای از خدمات کاتوزیان در علم حقوق

ایشان یکی از تاثیرگذارترین استادان رشته حقوق خصوصی در ایران بود که با نوشتن صدها مقاله و بیش از ۷۰ کتاب نقش بی‌بدیلی در توسعه علمی و ادبیات حقوق ایران ایفا کرد. تالیفات این حقوق‌دان به اندازه‌ای متفاوت و مهم بودند که برای نمونه کتاب مقدمه حقوق وی بیش از ۵۰ بار چاپ شده‌است. در واقع او به عنوان نویسنده و مؤلفی برجسته و دانشمند با توجه به نیازها و پرسش‌های موجود در دانشگاه و جامعه ایران، آثار با کیفیت و مفیدی تالیف کرد که هریک از آنها، مرجعی مهم برای حقوق ایران و ارتقای دانش حقوقی بود.

یکی دیگر از خدمات بزرگ و بی‌مانند این حقوق‌دان برجسته، تربیت هزاران دانشجوی حقوق بود. همچنین باید اعلان داشت؛ بیشتر کتب وی از منابع اصلی درس حقوق مدنی دانشجویان حقوق به شمار می‌رود.

کاتوزیان در مقام حقوق‌دانی، مؤلف و نظریه‌پرداز برجسته‌ای بود که

ناصر کاتوزیان در دوم اردیبهشت‌ماه سال ۱۳۰۶ خورشیدی در یکی از قدیمی‌ترین محله‌های تهران به نام کوچه دردار خیابان ری دیده به جهان گشود. وی تحصیلات ابتدایی را در دبستان اقبال و دوران دبیرستان را در دبیرستان علمیه تهران سپری کرد. سپس وارد دانشگاه تهران شد و به تحصیل در رشته حقوق پرداخت. او پس از اخذ کارشناسی حقوق، در ۲۱ سالگی با دادن دادخواست تصحیح شناسنامه که سنش را به ۲۵ سالگی بالا می‌برد، به عنوان قاضی به استخدام وزارت دادگستری درآمد و پس از یک سال و نیم تقریرنویسی-کارآموزی در مشهد به سمت دادرسی علی‌البدل دادگاه بخش اراک منتقل شد و چندی بعد رییس دادگاه بخش اراک شد. وی پس از چند سال به ریاست شعبه ۲۷ دادگاه شهرستان تهران رسید.

این حقوقدان برجسته که در سال ۱۳۳۴ خورشیدی به عنوان قاضی وارد دادگستری شده‌بود، به دلیل ادامه تحصیل و پژوهش، کار قضاوت را رها کرد و در رشته حقوق قضا به ادامه تحصیل پرداخت و توانست در سال ۱۳۳۹ خورشیدی از رساله دکتری خود با عنوان وصیت دفاع کند و به عنوان نخستین فارغ‌التحصیل دکتری حقوق در ایران شناخته شود و با این درجه علمی توانست به معاونت اداره حقوقی وزارت دادگستری منصوب شود.

در سال ۱۳۴۲ خورشیدی محمد باهری، وزیر دادگستری، ناصر کاتوزیان را به عنوان دادیار دادگاه استان مازندران به ساری منتقل کرد اما بلافاصله بعد از آن که که باقر عاملی، در اسفند همان سال، به وزارت دادگستری رسید؛ کاتوزیان تقاضای انتقال از دادگستری به دانشگاه تهران را ارائه داد. وی در اول فروردین‌ماه سال ۱۳۴۳ خورشیدی به عنوان استادیار حقوق مدنی در دانشگاه تهران به تدریس پرداخت و توانست چند سال بعد در سال ۱۳۵۱ خورشیدی به درجه استادی تمام وقت گروه حقوق خصوصی و اسلامی با پایه یک استادی برسد. همچنین او، در سال ۱۳۵۸ خورشیدی به مدت کوتاهی، ریاست دانشکده حقوق دانشگاه تهران را برعهده داشت، اما خیلی زود از کار برکنار و یازده سال خانه‌نشین شد، او در این مدت به تالیف کتاب‌های حقوقی پرداخت تا این که دگربار در سال ۱۳۷۰ خورشیدی به محیط دانشگاه بازگشت. وی در بهمن‌ماه سال ۱۳۸۳ خورشیدی نشان درجه یک فرهنگ و هنر و دانش را از سید محمد خاتمی، رئیس‌جمهور وقت ایران، دریافت کرد.

آثار و تالیفات کاتوزیان

آثار و تحقیقات بسیاری از ناصر کاتوزیان در زمینه‌های حقوق مدنی، فلسفه حقوق و آیین دادرسی بر جا مانده‌است که از جمله مهم‌ترین آثار وی می‌توان به عدالت قضایی گامی به سوی عدالت، فلسفه حقوق و مقدمه علم حقوق اشاره کرد. از دیگر آثار این نویسنده می‌توان به کتاب‌های زیر اشاره کرد: شیوه تجربی تحقیق در حقوق، قانون مدنی در نظم حقوق کنونی، توجیه و نقد رویه قضائی، فلسفه حقوق، درس‌هایی از عقود معین، نظریه عمومی تعهدات، کلیات حقوق، قواعد عمومی قراردادها، اثبات و دلیل اثبات. البته باید گفت بیشتر تالیفات ایشان مربوط به کتب آموزشی دانشگاهی هستند. همچنین باید اشاره کرد که

باعث ترقی و پیشرفت محتوا و نثر منابع حقوقی ایران شد. وی حقوق مدرن را با سنت‌های فقهی و حقوقی تلفیق کرد. این اقدام به شکل‌گیری نگاهی جامع در این عرصه انجامید و اعتلای عدالت در ایران را میسر کرد. با آن‌که او تحصیلات حوزوی نداشت، در فقه و اصول اسلامی در محضر استادان دانشمند دانشکده حقوق از قبیل سید حسن امامی، موسی عمید، محمود شهبابی، شیخ محمد سنگلجی و سید محمد مشکوه که همه تحصیلات حوزوی داشتند به اندازه‌ای خوب تحصیل کرد که در زمینه حقوق خصوصی به درجه اجتهاد و قدرت استنباط احکام رسید.

کاتوزیان در نگاه اساتید حقوق

امیر حسین آبادی، استاد حقوق دانشگاه شهید بهشتی، در خصوص اهمیت آثار کاتوزیان و این که چرا عنوان پدر علم حقوق را به وی داده‌اند، می‌گوید: به خاطر دارم در یکی از جلسات دفاع پایان‌نامه دکتری، یکی از استادان داور به دانشجویی ایراد گرفت که بخش عمده‌ای از منابع و مآخذ شما نوشته‌های ناصر کاتوزیان است، به طوری که اگر کتاب‌های او را از آن حذف کنند، چیزی باقی نمی‌ماند. نگارنده پاسخ داد که نه تنها از این پایان‌نامه که اگر کتاب‌ها و نام کاتوزیان را از حقوق ایران حذف کنند آیا چیزی برای حقوق باقی می‌ماند؟

به اعتقاد حسین آبادی از این جهت که کاتوزیان برای نخستین بار عدالت و اخلاق را وارد علم حقوق کرد، باید وی را پدر عدالت و اخلاق در حقوق نامید. او در این زمینه گفته‌است: امروزه، شاگردان و دست‌پروردگان کاتوزیان جزو سرشناس‌ترین حقوق دانان مملکتند به یاد می‌آورم چند سال قبل که دانشگاه آزاد بیرجند بزرگداشتی برای ایشان برگزار کرد، استاد گفتند: اگر من هیچ‌کاری در حقوق نکرده و کتابی ننوشته بودم، بعضی از شاگردانی که تربیت کرده‌ام رای ادای دین من به علم حقوق کافی است. ذکر این مطلب برای باین است که دوستان و همکاران به‌ویژه شاگردان خاص آن بزرگوار

به مسئولیت سنگینی که در ادامه راه او دارند، پی ببرند. واقعیت این است که ناصر کاتوزیان، دانشجویان را فرزندان معنوی خود می‌دانست و با بزرگ‌منشی تمام مانند پدر خوب خانواده برخی از دانشجویانش را فرزندم خطاب می‌کرد، این کلمه‌ای است که بارها می‌گفت که استاد سنگلجی درباره خود او به کار می‌بردند. نعمت‌احمدی، حقوق‌دان و وکیل دادگستری، معتقد است: کاتوزیان شارع قانون مدنی بود که با تسلطی که بر فقه و حقوق نو داشت، توانست قانون مدنی ما را از شکل روایی که سیدحسن امامی و پیش از آن مصطفی خان عدل و حائری شاه‌باغ در این زمینه فعال بودند، تغییر دهد. در واقع وی تحلیل‌گر قانون مدنی بود، برای نمونه شما یک وقایع تاریخی دارید و یک تحلیل تاریخی. تا پیش از این ما فقط شاهد روایت وقایع حقوقی بودیم، اما کاتوزیان تحلیل‌گر حقوق مدنی شد. به نظر من کاتوزیان فصل‌الخطاب مباحث حقوق مدنی است وقتی در حقوق می‌گوییم قال کاتوزیان، دیگر بحث تمام است زیرا او مفسر قانون شد و قانون مدنی ما را از آن حالت روایی محض خارج کرد.

وی همچنین آثار بر جای مانده از کاتوزیان را در زمره بهترین کتاب‌های حقوقی و همچون چراغی روشن برای دانشجویان این رشته توصیف کرد و گفت: چه دانشجویانی که در محضر وی حضور داشته‌اند و چه افرادی که هم‌اکنون و در آینده به این رشته ورود پیدا می‌کنند، مدیون و شاگرد استاد خواهند بود. مقالات و آثار کاتوزیان توانست با پر کردن و از میان برداشتن خلأی بزرگ، قانون مدنی را تفسیر و برای درک عموم تسهیل کند.

نعمت‌احمدی معتقد است که رشته حقوق مدیون کاتوزیان است؛ زیرا ایشان، یک پل ارتباطی میان فقه، حقوق نو و تعمیقی که در ابواب مختلف حقوق داشتند، ایجاد کرد. یکی دیگر از دانشجویان کاتوزیان، صالح نیکبخت بود که در مورد او، چنین می‌گوید: استاد کاتوزیان در آن زمان درس مقدمه علم حقوق را طوری ارائه می‌کرد که در گذشته نمونه آن دیده نشده‌بود. این درس بسیار سخت و پیچیده تنظیم شده‌بود و از مباحث فلسفی از جمله نظریات کانت نیز در کلاس درس صحبت به میان می‌آمد. برای ما که درس ادبی نخوانده و در رشته علوم طبیعی تحصیل کرده‌بودیم، این درس خیلی سخت بود. من یک‌بار به استاد کاتوزیان گفتم درس مقدمه علم حقوق شما سخت است و او بسیار عصبی شد و گفت این درس برای کسانی است که می‌خواهند وارد سیستم قضائی ایران شوند و مسئولیت بر عهده بگیرند، از این رو باید سخت باشد.

صالح نیکبخت معتقد است: یکی از ویژگی‌های بارز کاتوزیان که کمتر در دیگر استادان وجود داشت، این بود که زبان عربی او بسیار خوب بود. چون عربی می‌دانست و در زمینه فقه نیز مطالعه داشت و به زبان فرانسه و انگلیسی نیز آشنا بود، در حقوق مدنی تطبیقی بسیار مسلط‌تر از دیگر استادان حقوق ظاهر شدند و به طور کلی باید گفت که مطالعات گسترده کاتوزیان نقطه تمایز وی با دیگران بود.

نظر دکتر کاتوزیان درباره وکالت

بعضی از افراد گمان می‌کنند که کانون وکلای دادگستری را می‌توانند حذف یا به قوه قضاییه وابسته کنند؛ در صورتی که در تمام دنیا، دولت‌ها، کانون‌های وکلای را به عنوان یک نهاد مدنی اجتماعی برای اجرای عدالت ضروری می‌دانند. پدر علم حقوق ایران تاکید کردند: در سراسر دنیا کانون‌های وکلا همیشه پیشرو مسایل اجتماعی هستند. وکالت هم یک شغل و سندیکای خصوصی است و هم یک سندیکای عمومی. وی همچنین افزود: کانون‌های وکلای دادگستری نباید عامل سیاست‌گذاری دولت‌ها شوند بلکه باید استقلال و شخصیت خود را حفظ کنند. در پایان دکتر کاتوزیان اظهار کردند: اگر وکیل به وضعیت شغلی خود مطمئن نباشد به درستی نمی‌تواند از موکل خود دفاع کند. در این صورت دولت و سازمان‌های قضایی هم مدعی می‌شوند و هم مدعی علیه.





کیان صنعتی رودی
کارشناسی مترجمی زبان انگلیسی، بیرجند

های خود در نمایش بودند که بنا به شرایط آن دوره از هنرمندان سلب شده بود.

شاید اگر امروز آمار فروش نمایش‌های کم‌دی و رغبت مردم به تماشای آن بالاست، برگردد به گذشته که در ایران، نمایش به صورت هنری با نفوذ در دست عوام قرار نگرفته و خواست بر جنبه پایکوبی و برپایی جشن و یا مناسبات تعزیه بوده است، هرچند که رگه‌هایی خفیف از انتقاد را می‌شود در همین خرده نمایش‌ها مثل دسته میر نوروزی دید؛ نمایش‌هایی که مشخصه اساسی آنها اجتماع بوده و در عرصه، میان حلقه مردم در طبیعی‌ترین شکل ممکن اجرا می‌شد.

سیاه بازی، نقالی، نمایش‌های عروسکی و تعزیه به عنوان نمایش‌های مستقل پس از اسلام، شاید نفس‌های به شمارش افتاده نمایش ایرانی باشند. از میان کچلک بازی، لال بازی، تخت حوضی، معرکه گیری و... که آن هم به لطف دوره گردان گذشته و سنت سینه به سینه به صورت پراکنده شاهد آن هستیم؛ بازیگرانی دوره گرد و نمایشگرانی منفرد که واسطه و ریشه‌ی پیدایش نمایش‌های جدی‌تر بعدی شدند و از این رو نقششان در شکل‌گیری نوع جدیدی از هنر نمایش ایرانی شایان ذکر است.

امید که این نوشته جرقه‌ای باشد تا برگردیم و به لوتی‌ها و مطربان کولی، تقلیدچی‌ها، مسخرگان کچل و امثالشان، نیم‌نگاهی بیندازیم.

متدها، نمایشنامه‌ها و موضوعات غربی این روزها برای هنرجوی تئاتر، جزء لاینفک دانستن و آگاهی شده است؛ قطعاً که در ذات خود بد نیست و هیچ مخالفتی هم با آن وجود ندارد، اما همانطور که ادیبان و شاعران ما اشاره کرده‌اند، در نهایت روزگار وصل خویش را باز می‌جوئیم و شاید این کورسوی امیدی باشد برای رهایی از آلازیمر دنیا که از برخورد با تمدن غرب می‌آید و این بار، گریبان هنر نمایش ایرانی را گرفته است.

منابع فرهنگی و سنت و نیز عرفان شرقیان، دیدگان غرب را متوجه خود کرد و در این برخورد و شکل‌گیری اقتباس‌ها، مبادله پایاپای شکل‌نگرفت و شرق درگیر مدنیت صنعتی و تبلیغات غرب شد. ایران هم ازین قاعده مستثنی نبود و اتکا به سنت نمایشی خود و پایه‌های آن را فراموش کرد. در این برخورد، غرب قواعد آزاد صحنه‌ای و شیوه اجرایی نو و بدیع را غنیمت برداشت و شرق هم به تقلید از سیاق کهنه و محدود شده پرداخت. سفر نامه‌ها، یادداشت‌ها، بازدیدها و جست‌وجوهای هنری در شرق که پیشتر از پیتر بروک، یوجینو باربا و گروتوفسکی به عنوان مثال نام برده شد، تاثیر بسزایی در ارتقا هنر نمایش غرب داشت و ازین رو با تکیه بر این اسلوب‌ها به شیوه‌های کهنه خود پشت کرد. در ایران اما، نمایش‌های مستقلی چون تعزیه ممنوع شد، صحنه نقالان و خیمه شب‌بازان (قهوه‌خانه) از میان رفت و مسائلی چند ازین دست. نمایش ایرانی، هنری که از مرکز دایره توجهات به دور مانده بود، خواسته یا ناخواسته را نمی‌دانم.

نمایش هنری نقاد است و داشتن روحیه نقدپذیر برای درباریان و اشرافیان گذشته تحمل‌پذیر نبوده و ازین روی تنها به جنبه‌ای از آن متمایل بودند که در سطحی‌ترین حالات ممکن به سرگرمی پردازد و به اصطلاح هنر تفنن شکل‌گیرد که در گذشته مسخرگی، دلکگی و لوده‌بازی نام گرفت. رشد کند سیر تحول نمایش به دلیل بی‌ثباتی سیاسی و تداخل برخی از فرهنگ‌های تصرف شده و نگاه سنتی عوام به نمایش که در آن هنگام کاری مکروه بود، فرصت تعقل و تأمل را از آنان گرفت. چرا که عوام به دنبال دیدن تمایلات و آرزو





از شروع جنگ میان اسرائیل و فلسطین در ۷ اکتبر ۲۰۲۳، تقریباً حدود ۶ ماه میگذرد و در این مدت حدود ۳۲ هزار نفر کشته و حدود ۷۴ هزار نفر هم مجروح شده اند و از مجموع شهدا و مجروحان جنگ، حدود ۷۳ درصد کودکان و زنان هستند که نشان از کشتار و نسل کشی عظیم و بی سابقه رژیم کودک کش اسرائیل دارد.

حال که کشتار و نسل کشی اسرائیل بر همگان روشن شده است، در اکثر نقاط جهان مردم به اعتراضات روی آورده اند. در این میان اما سکوت و بی تفاوتی اکثر دولت ها در این قضیه بسیار تعجب آور است و نشان می دهد تا چه اندازه دنیای سیاست به زور و زر متصل است.

انتظار مسلمانان از دولت مردان خود این بود که علاوه بر حمایت های سیاسی و اقتصادی از مردم فلسطین، محدودیت های اقتصادی و ترانزیتی نیز برای اسرائیل به وجود آوردند تا این کشور با محدودیت های جدی مواجه شود و در رفتار خود بازبینی کند، اما شاهد سکوت و بی تفاوتی آنان بودیم.

سکوت حکام عرب کشورهای مسلمان، گواهی می دهد که دولتمردان این کشور در سیاست و رفتار خود هیچ استقلالی ندارند و دولتمردانی بی غیرت نسبت به زنان و کودکان و اموال مسلمانان هستند. در شرایطی که، حتی در ماه رمضان هم جنگ ادامه داشت و کشورهای عربی و اسلامی نتوانستند صلحی موقت در ماه رمضان برقرار کنند و ماشین کشتار اسرائیل را متوقف سازند.

در این میان اما، رفتار ملت یمن در برخورد با کشتی های اسرائیلی در تنگه باب المندب، نشان داد که به دلیل حملات یمن تعدادی از بنادر اسرائیل با کاهش ورود و خروج کالا مواجه شده اند و این نشان می دهد که ضربه پذیری اسرائیل همچنان وجود دارد و بسیار بالاست. این رفتار ملت یمن در شرایطی که در تحریم اقتصادی به سر می برند بسیار با ارزش است.

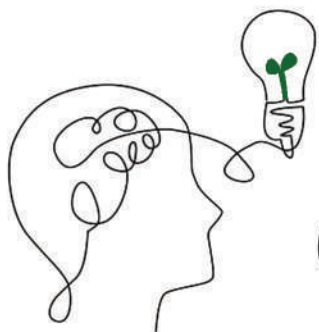
پس از تصویب قطعنامه شورای امنیت، وقت آن رسیده است تا ملت های مسلمان، دولتمردان خود را مجبور به حمایت های سیاسی و اقتصادی از ملت فلسطین کرده و راه های تنفس غده سرطانی منطقه را ببندد. باید تمامی کشتی هایی که حامل کالا به مقصد و یا از مبدا یکی از بنادر اسرائیل است در آب های آزاد در امان نباشند و تمامی نیاز های این کشور در حوزه های کشاورزی، اقتصادی، صنعتی و ... با مشکل مواجه شود، تا از ادامه این کشتار و حملات مرگبار به مردم بی گناه دست بردارد.

به موازات آن کشورها باید از طریق مجامع حقوق بشری پیگیر پرونده این کشتار همگانی باشند و از طرق سیاسی تمامی پیگیری ها را تا توقف جنگ انجام دهند، که تا کنون چنین رفتاری آن هم به صورت محدود، تنها از سمت دولتهای قطر، آفریقای جنوبی و ایران روی داده است.

کشور های مسلمان باید کمک های اقتصادی و مالی خود را هرچه سریع تر به سمت مردم غزه ارسال کنند تا از گسترش فقر و مرگ کودکان و زنان به علت گرسنگی جلوگیری شود. همچنین دولتمردان عرب منطقه که درصد زیادی از نفت جهان را تولید میکنند باید از طریق افزایش قیمت نفت، اهرم فشاری را بر دولت امریکا و کشور های اروپایی بیاورند و آنها را متقاعد سازند تا ماشین جنگی اسرائیل متوقف شود و در غیر این صورت افزایش قیمت نفت را متحمل خواهند شد.

و اگر به صورت موازی این اقدامات انجام نشود، جنگ خانه مان سوز و کشتار مردم مظلوم فلسطین توسط اسرائیل، ادامه خواهد داشت و تا رسیدن به اهداف پلید خود که نابودی سرزمین غزه و کوچ مردم به قسمت های جنوبی نوار غزه است، دست از کارهای خود برنخواهد داشت.

نگاهی به تفکر انتقادی



احمد یوسفی

کارشناسی ارشد فلسفه و کلام اسلامی

دبیر اسبق فرهنگی



این همان کاربردی‌سازی یا عمومی‌سازی مسأله مغالطات است. در این روش؛ هر چیزی که به عنوان یک موضوع محل تفکر در برابر انسان قرار می‌گیرد، باید بتواند آن را بر اساس یک سری استانداردهای عقلانی مورد تحلیل قرار داد. ضمناً این روش همیشه قابل ارتقا است. در واقع مهارتی که با آموزش و تمرین مستمر می‌توان آن را بهبود بخشید. مهارت بودن و قابل ارتقاء بودن آن یکی از جنبه‌های مهم تفکر انتقادی است چرا که انسان خواه یا ناخواه تحت تاثیر عقاید، عواطف، احساسات و هیجانات معمولاً دچار سوگیری در تفکر، نتیجه‌گیری و استدلال می‌شود و این موضوع جنبه‌ی مهارت بودن و قابل آموزش و ارتقاء بودن آن را اهمیتی بیشتر می‌دهد.

در واقع نخستین و مهمترین فایده‌ی تفکر انتقادی چارچوب سازی و پاکسازی خود تفکر آدمی در برابر این احساسات و عواطف می‌باشد و سپس تحلیل اطلاعات بیرونی که در برابر آن قرار می‌گیرد.

اصول و روشهای تفکر انتقادی بیش از آن است که در این نوشته‌ی کوتاه بتوان به آن پرداخت اما از باب نمونه به یکی از مهمترین اصول آن اشاره میشود.

یکی از مهمترین اصول تفکر انتقادی نیز اصل پرسش‌گری است. پرسش‌گری ازین جهت اهمیت دارد که ذهن و فکر را از حالت رکود و جمود خارج می‌سازد. در واقع پرسش‌گری یکی از مراحل اصلی است که با آن می‌توان میزان دقت تفکر و تاثیرات سوگیری‌های مختلف را سنجش کرد. اما پرسش خودش بر اساس اصولی نیز برپا است که یکی از مهم‌ترین آنها جهان شمول بودن آن است. در واقع معیارهایی که برای

تفکر و پرسش صحیح مطرح است، آن است که از شمولیت برخوردار باشد. در این صورت است که می‌توان به صورت صحیح تری به سنجش تفکر پرداخت.

در انتها برای آشنایی بیشتر با تفکر انتقادی، میتوان به کتاب تفکر انتقادی از ریچارد پل و لیندا رجوع کرد.

مغالطات همیشه مورد توجه منطقدانان قدیم و فلاسفه بوده‌است تا جایی که قسمت مهمی از کتب منطقی همیشه به این موضوع اختصاص داشته است. یادگیری و آموزش آن هم بخشی از برنامه‌ی درسی نیز بوده است. این امر بدین خاطر بوده‌است که جلوگیری از استدلال غلط شود و همچنین کسی که پای در راه فلسفه و منطق گذاشته است نیز فریب شبه استدلال‌ها را نخورد. اما هدف از مغالطات اگرچه در اصل در خدمت فلسفه و علوم مرتبط با آن بوده است لیکن فواید آن هیچ‌گاه منحصر در فلسفه و منطق نبوده و به طور عام در خدمت تفکر و جلوگیری از راهیابی خطاها در آن بوده است.

با گسترش علوم به ویژه علوم انسانی، نیاز به اصلاح یا کاربردی‌سازی مغالطات برای دیگر علوم نیز احساس می‌شود.

اما احساس نیاز به بررسی مجدد مغالطات و روش‌های کاربردی‌سازی آن محدود به علوم نبود. گسترش ارتباطات، رسانه‌های جمعی، دموکراسی و دسترسی آزاد به اطلاعات موجب این مسأله شد که مغالطات نیز باید جنبه‌ی عمومی‌تری پیدا کند. در واقع، غرض عمومی در خدمت تفکر بودن مغالطات، نیاز به چنین امری را بیش از پیش ضروری می‌نمود.

تلاش‌های جان دیویی پیرامون تئوری‌های مختلف آموزش و پرورش موجب پدید آمدن اصطلاح جدیدی شد که رونمایی از سبک جدیدی از مغالطات قدیم بود که تفکر انتقادی یا نقادانه نام گرفت.

امروزه تفکر انتقادی و نقادانه به عنوان یک ضرورت در عرصه آموزش تلقی می‌شود. بدین معنا که تفکر اگرچه یکی از ویژگی‌های خاص انسان می‌باشد لیکن وجوه مختلف آموزشی برای آن متصور است تا در مسیر صحیح قرار گیرد.

بر این اساس در تعریف تفکر نقادانه گفته شده است: «تفکر انتقادی حالتی از فکر کردن درباره هر موضوع، محتوا یا مسئله است که فرد در آن، کیفیت تفکر خود را با بر عهده گرفتن ساختارهای درونی تفکر و اعمال استانداردهای عقلانی بر روی آن‌ها بهبود می‌بخشد.

اگرچه این تعریف، یکی از تعاریف موجود از تفکر نقادانه است، اما از جامعیتی نسبی برخوردار است.

بر اساس این تعریف تفکر انتقادی یکی از جنبه‌ها یا حالات تفکر است. اما نکته‌ی مهم این است که کاربرد این جنبه از تفکر پیرامون هر موضوعی است که میتواند موضوع تفکر قرار گیرد.



باشد به پشتوانه آن فرزندان نیز دارای شناسنامه می‌شوند و یارانه ۴۵ تومنی به آنان تعلق می‌گیرد اما این کارت گاهی در اختیار مغازه دارها یا افرادی است که خانواده‌ها برای مایحتاج خانه به آنها بدهکارند.

باید توجه کرد تا زمانیکه این افراد فاقد شناسنامه باشند استفاده و پیگیری برای خدمات دولتی نظیر خرید کنتور و روشنایی منازل و روستاها، دست یافتن به آب سالم و بهداشتی به جای آب کم و کثیفی که بعضاً از چشمه‌هایی با فاصله چندین کیلومتر از محل زندگی جریان دارد و یا بهره‌مندی از خدمات درمانی و بیمه سخت می‌شود. حال دو مسئله اساسی که پیش می‌آید:

مسئله اول این است که دولت قبل، زمانیکه منشور حقوق شهروندی را امضا میکرد چرا این افراد را به یاد نیاورد که برای زنده ماندن و گرفتن ساده‌ترین حقشان در تلاش اند؟ چرا قبل از اینکه بذر امید را در دل آنان بکارد زیرساخت‌های لازم را مهیا نکرد تا اینگونه به حال خودشان رها نشوند؟ مسئله دوم نقد به مسئولین و معتمدین خود استان است

بی شک این افراد بیشتر از هر شخص غیر بومی دیگری آگاهی و آشنایی

پیر و توان حرکت ندارند و عده‌ای دیگر به دلیل سختی رفت و آمد و نبود جاده و مدرسه و گاهی حتی کپر برای تحصیل، از سواد درستی برخوردار نیستند.

بنت تنها یکی از چند روستایی است که به این درد گرفتار است و درد آنجایی بالا می‌گیرد که این افراد نمیتوانند برای امرار معاش به شهرهای دیگر سفر کنند، زیرا به علت نداشتن شناسنامه و کارت ملی تبعه خارجی به آنان تعلق می‌گیرد و گاهی دستگیر و به سمت مرز افغانستان و پاکستان راهی میشوند.

ساکنان فراموش شده بی شناسنامه، راه درآمدشان حصیربافی یا کارت یارانه‌ای است که اگر مادر خانواده دارای شناسنامه



صالحه راهداری

کارشناسی مهندسی برق، ۹۸

مدیر مسئول مکث



سیستان و بلوچستان دومین استان پهناور بعد از کرمان به مسافت ۱۸۰۷۲۶ کیلومتر مربع در جنوب شرقی ایران میباشد. استانی که بعد از شنیدن نامش "فقر و ناامنی" به ذهنها خطور میکند(اما اینکه چرا از این استان فقط فقر و ناامنی نمایش داده شده بحثی جداست که هدف نویسنده در این نوشته نیست).

بنت روستایی در نیکشهر با تابستان‌های داغ و زمستان‌های خشن. اکثر مردمان این روستا از اساسی‌ترین حق شهروندی یعنی داشتن شناسنامه محرومند و برای خیلی‌ها به یک آرزوی بزرگ تبدیل شده است.

در زمان‌های دور عواملی چون نداشتن سواد و آگاهی کافی، زندگی طایفه‌ای و تعصبات قومی جهت گرفتن عکس از زنان و تحویل به مأمور ثبت احوال، دور بودن از شهر و صعب‌العبور بودن روستاها، فرار از سربازی و مخالفت با حکومت پهلوی باعث شده بود که پدران و به طبع، فرزندان، این خطه را از داشتن شناسنامه محروم کند.

اما با گذشت زمان و آگاهی مردم از فواید و ضرورت داشتن شناسنامه و اوضاع بد اقتصادی خانوار و در نتیجه نیاز به خدمات دولتی آنان را واداشت که نسبت به اخذ شناسنامه اقدام کنند.

قول‌های بی‌فایده سازمان ثبت احوال، این شهرستان‌ها صرفاً هزینه اضافی رفت و آمد را متحمل شوند، کما اینکه عده‌ای از آنان

کافی را نسبت به اوضاع و روستاها دارند، چرا آنها برای این افراد قدمی برنداشتند و اوضاع را سامان نداده‌اند؟ از مولوی اهل سنت، عبدالحمید، تا استاندار و رئیس ثبت احوال و ...

اینکه دولت موظف است برای تمام شهروندان ساده‌ترین حقوق شهروندی را به جا آورد درست، اما نقش مردم و بزرگان را هیچ وقت در بهبود شرایط نباید نادیده گرفت.

بنت و روستاهای دیگر در سیستان و در بلوچستان صرفاً با مشکل نبود شناسنامه دست و پنجه نرم نمیکنند، شناسنامه فقط یکی از مشکلات بزرگ آنان است که سایر مشکلات به آن گره خورده است.

مردمان این روستا و شهرها نه از هوای درست برای نفس کشیدن، نه از آب سالم برای آشامیدن، نه از خدمات درست برای درمان، نه از شناسنامه برای اثبات هویت خود و نه هزاران مورد دیگر که جزو اساسی‌ترین حقوق هر ایرانی جزو منشور حقوق شهروندی است برخوردار نیستند.

در پایان، امید است إن شاءالله، دولت سیزدهم قول خود برای این مردمان را عملی سازد تا برای یکبار هم که شده با خیالی آسوده و هویتی دست یافته از روستاهای خود خارج و زندگی بهتری را تجربه کنند.

سرزودشت حجاب چه خواهد شد؟

فاطمه عباس نژاد

کارشناسی ارشد فلسفه دین، دانشگاه تهران



هم می شد. امروز اما فکر می کنم بسیاری از نوجوانان حتی ندانند هد سر و صف بررسی هد چیست! دست قوانین و ابلاغیه ها و دستورالعمل ها بالای دست اراده آزاد مردم نیست.

خواست مردم درست یا غلط، بی حجابی، ایمان، عزاداری، انقلاب یا حتی جنگ هر چه که باشد، تحقق بخش وقایع است.

نمی دانم حکومت ها کی و با چه میزان هزینه دادن قرار است بفهمند که در جنگ با اراده ملت، هر قدر هم که بنا بر تصورشان بر مدار حکمت و شریعت باشند، شکست خواهند خورد. امیرالمومنین (علیه السلام) خود را به اجبار حاکم مسلمین نکرد. خداوند مردم را از ازل مهتدی نیافرید و از رسولش جز ابلاغ مبین نخواست.

حالا جمهوری اسلامی می خواهد با قانون، مردم را به حجاب بخواند؟ شاید خدا هم گاهی بخندد!

اگر گذرتان به خیابان انقلاب افتاده باشد؛ حتما زنان غالباً ماسک پوش را دیده اید که در دو سمت مترو تا خیابان ایستاده اند و بعضاً به تونل وحشت معروف اند. اگر آنجا هم نه، قطعاً پیش آمده است زنانی که به حجاب بان معروف اند و عموماً هویتشان هم آشکار نیست را دیده باشید.

هر گاه نام زن می آید؛ حجاب واژه بعدی است که به ذهن افراد جامعه متبادر می شود.

اینکه زن و زنانگی در جامعه ما در حجاب و خانواده محدود می شود و بسیاری دیگر از مسائل زنان از قبیل مشکلات زنان سرپرست خانوار، بی عدالتی ها در کار و استخدام و جامعه ای که از قوانین آموزشی تا خیابان هایش همگی برای مردان طراحی شده اند؛ در پس پشت پرده حجاب زنان مخفی مانده اند.

از اینها که بگذریم، پیروز میدان حجاب چه کسی خواهد بود؟

حجاب بانان بی نام و نشان و قوانینی که مقابل اراده و سبک زندگی بسیاری از زنان ایستاده اند یا اراده دختران مام ایران؟

فکر می کنم اگر سیر تطور پوشش زنان از روزهای آغازین انقلاب را بررسی کنیم؛ تاریخ پیروز میدان را بر ما آشکار خواهد کرد.

روزگاری که جوراب سفید و مانتو چاکدار ممنوع بود، گذشت. مقنعه ها، روسری و روسری ها، شال شدند.

حتی ابلاغیه های ممنوعیت مانتوهای جلو باز هم کاری از پیش نبرد. اصلاً همین ما که کمتر از ده سال پیش دانش آموز بودیم لباس فرم مدارس مان شامل هد سر

معرفی نبردهای تامکت فانتوم

صالحه راهداری
مدیر مسئول مکث



دو مجموعه فوق به رشادت ها و پایمردی خلبان جنگنده های تامکت (F14) و فانتوم (F5) که در جنگ تحمیلی ۸ ساله، نقش مؤثر و بسزایی داشتند، اشاره میکند.

بیش از یک سوم خلبان های جنگنده فانتوم در جنگ تحمیلی، اسیر، شهید و یا مفقودالثر شدند.

این دو جنگنده و جنگنده های دیگر، پیش از پیروزی انقلاب برای جلوگیری از جنگ احتمالی بین شوروی و آمریکا توسط حکومت وقت، خریداری و به ایران وارد شدند و دو گروه ۴ نفره از خلبانان ایرانی به کشور سازنده سفر کرده و آموزشات لازم را جهت کار با جنگنده دیدند (هرچند آموزشات بیشتر تئوری بوده و خلبانان در ایران و در طی جنگ تجربه های عملی را کسب کردند).

پس از پیروزی انقلاب، آمریکا قصد داشت که این جنگنده ها را پس بگیرد. از این سو هیئت های مختلفی از کانادا و کشورهای دیگر با پیشنهاد رقم های بالا به سوی ایران فرستاده شد که با دلسوزی خلبان ها و عده ای از دولتمردان جلوی این خیانت بزرگ گرفته شد، هرچند جای تأسف دارد اما باید ذکر کرد که عده ای در داخل نیز قصد فروش این جنگنده ها را داشتند...

آنچه در این دو مستند به تصویر کشیده شده، به معنای واقعی کلمه، رشادت و غیرت غیور مردانی است که در مقابل رژیم بعثی عراق از هیچ امکاناتی برخوردار نبودند ولی تا پای جان از مرزهای هوایی، بنادر و خاک های سرزمینمان دفاع کردند.

باید عنوان کرد که ایران در زمان جنگ، دچار تحریم سنگینی بود بنابراین تنها سلاح هوانیروز ایران، همان جنگنده هایی بود که باید در حفظ و سلامت جنگنده ها و تعداد موشک های آنها نهایت دقت از سوی خلبانان میشد، حتی قطعات تعمیر این جنگنده ها نیز پیدا نمیشد و یا در بازار سیاه به قیمت گزاف فروخته میشد.

در حالیکه عراق از فرانسه، شوروی، آمریکا و... دائما به روز ترین سلاح ها را خریداری و مجهز میشد.

نبرد های تامکت و فانتوم به تهیه کنندگی سالار بی باک به مصاحبه با خلبانان هوا نیروز و روایت جنگ از زبان آنان میپردازد این دو اثر به ترتیب در ۶ و ۳ قسمت تهیه شده است



کرچه بر سکر پیمان خشم یادست ولی با چو حکیم که تا سزود جان ندیم

ماهنامه فرهنگی، اجتماعی و سیاسی مکث

شماره ۸۵ - فروردین ماه ۱۴۰۳

صاحب امتیاز: انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد

دارای مجوز به شماره ۹۸۳۷۰۲ از کمیته ناظر بر نشریات دانشگاه فردوسی مشهد

مدیر مسئول: صالحه راهداری

سردبیر: فاطمه نیکومقدم

دبیر تحریریه: ریحانه سالارزاده

طراح نشریه: ریحانه سالارزاده، صالحه راهداری

صفحه آرا: صالحه راهداری

ویراستار: محمدمبین حیدری، باران هاشمی، فاطمه بیداد، فاطمه نیکومقدم

هئیت تحریریه:

صالحه راهداری، فاطمه نیکومقدم، سید علیرضا حسینی، مهسا محمدی، احمد یوسفی،

سجاد غلامی، سیدمحمد صالح قائمی، مهرداد فدایی دولت، حسام الدین نظام، کیان

صنعتی رودی، فاطمه عباس نژاد

استاد همراه: دکتر مهدی بهنام (دانشیار گروه اقتصاد)



MAX